

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

میرویس ودان محمودی

۲۴ فبروری ۲۰۱۵

فرمانبرداران ارتجاع و امپریالیسم در صدد انقیاد و تجزیه افغانستان کهن

۳

باید چهره های خفاشان سخیف العقل ، روسپی مانند و هرزه گوئی از قماش «واصف باختری» افشاء گردد. یکی از وظایف مبرم و دقیق انقلابی همه نیروهای مترقی و بالخصوص (چپ انقلابی) افغانستان است تا چهره های خاینان و مزدوران سوسیال امپریالیسم شوروی و امپریالیسم جهانی را افشاء سازند. افشای «واصف باختری»، این مردک مفلوک و (واصف) های بی خرد و دور افتاده از قافله، به معنای افشای ولینعمتان شان، یعنی خاینان و وطنفروشان خلقی، خادی ، پرچمی و «شورای نظار» نیز می باشد.

بعد از کودتای ضد مردمی و خاینانه هفتم ثور ۱۳۵۷ خورشیدی، توسط غلامان حلقه به گوش روسیه، اکثریت صفوف (جریان دموکراسی نوین افغانستان-شعله جاوید) که بعد از به راه اندازی «کنگره سوم»، «سازمان جوانان مترقی»، تحت فرمان و رهبری اکرم یاری، علی حیدر لهییب، اعظم داد فر، و اصف باختری و عده ای دیگر، علنی گشته بودند، توسط رژیم خون آشام و فاشیستی تره کی و امین به آسانی دستگیر شده و به زندان افکنده می شوند و اکثریت آنان بدون محاکمه اعدام می گردند و عده ای که از دم تیغ خونچکان تره کی کودن و امین جلاد در امان مانده بودند، بعد از تجاوز مستقیم و عریان سوسیال امپریالیسم شوروی، توسط مخبری و خبر رسانی مرتدان، به وسیله روس ها و پادو های داخلی شان اعدام و جان می بازند. یاد شان بخیر و گرامی باد!

زمانی که قوای اشغالگر روسی داخل کابل می شود، بدون تأمل و درنگ، زندان پلچرخ را در محاصره و تصرف خویش در می آورند. در آن زمان در پهلوی جاسوسان تربیت شده و گماشته شده از جانب رژیم پوشالی و حامیان و ولینعمتان روسی شان، در درون زندان «پلچرخ»، از دوره حفیظ الله امین جلاد ، از قبیل عبدالرب رسول سیاف، و اصف باختری، داکتر نوین و اعظم دادفر، یک عده کادر های انقلابی شعله ئی همچو زنده یادان، داکتر دادگر، داکتر رزبان و داکتر هاشم مهربان ، تا آنزمان زنده مانده بودند. البته قبل از رویکار آمدن دولت ضد مردمی و ضد انقلابی ، ببرک کارمل روباه ، و اصف باختری، داکتر نوین و اعظم دادفر ، دولت پوشالی امین / تره کی و کودتای ننگین هفتم ثور را به رسمیت شناخته بودند. در زمان اشغال نظامی افغانستان توسط قوای شوروی ، با «واصف باختری»، در زندان پلچرخ و یا جای دیگری، مصاحبه ای صورت می گیرد، «واصف» این سلیطه روزگار، روسپی سیاسی، قدرت طلب دون و شهرت پسند خوار، بی نوا و حقیر، رژیم دستنشانده کابل تحت

رهبری، «ببرک کارغل» و تجاوز روس ها را تأیید کرده و در مقابل آنان سر سجده خم کرده و از زندان خارج می شود. همچنان مصاحبه های واصف باختری، داکتر نوین و اعظم داد فر و عده ای دیگری از قبیل برادر زنده یاد (ل - م)، (ع - م) و (ص - م)، که تسلیم خواست های سوسیال امپریالیسم و نوکران داخلی شان شده بودند، بعد از آزاد شدن شان از زندان، از طریق رادیو پخش می گردد.

قرار اطلاع منابع موثق و تحقیقات فامیل های انقلابیون، «چغلی» ها و راپور های خاینانه «واصف باختری» و دوستان مرتدش، باعث اعدام زنده یادان داکتر دادگر، داکتر مرزبان و داکتر هاشم مهربان شده است. یاد شان تا ابد گرامی باد.

«واصف» و دوستان مرتدش قیمت جنایات و خیانت های شان را روزی خواهند پرداخت.

اینک دختر «واصف باختری» سفیر افغانستان در یکی از کشور های اروپائی بوده و پدر مفتخور و طفیلی، از خیرات دختر در سفارت، بستره انداخته و با یاران پرچمی خادیست شورای نظاری و افغانستانی / خراسانی اش مصروف شب نشینی ها و باده گساری ها می باشد.

«واصف باختری»، از طریق کانال تلویزیونی «خراسان»، مربوط «شورای نظار» که از لاس انجلس - کالیفرنیا، پخش می شد، با ماده رندی ها و نرم بری هایش بر آتش اختلافات زبانی و منطقه ئی هیزم خشک می ریخت. وی در پهلوی «حزب کمونیست مائوئیست افغانستانی»، «انجنیر» حسین جاسوس و چوکره کودنش «انجنیر» صادق دنی و چند تا بی هویت، بی مغز، بی کله احمق و افسار گسیخته همچو «شورشگر»، «سوزش»، «خیزش»، «خارش»، «پس»، «پولاد»، افغانستانی های وحدتی (حزب وحشت اسلامی) و «خراسانی» های خادیست پرچمی، شورای نظاری و ستمی از قماش افسار گسیختگان کثیفی همچو صبور راحیل، «داکتر» لعل زاد بدخشی، کریم لطیفی استالفی، سلیمان راوش، داوود راوش و..... کثیفترین جانوری می باشد که تخم نفاق و شقاق را تحت عناوین زبان و سمت و..... بین توده ها پاشیده و خود در غندی خیر در غرب نشسته و نظاره گر استخوان شکنی بین ملیت های با هم برادر افغانستان می باشد.

ادامه دارد.....

۲۰۱۵ فبروری ۲۲